



مصوبه مجلس برای افزایش حقوق سربازان وظیفه اجرایی شد

سربازی به پیش

میانگین حقوق سربازان از ۴۴۰ هزار تومان در سال ۱۳۹۹ به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان در سال جاری افزایش یافت

حداقل حقوق پرداختی به کارکنان وظیفه در مناطق عادی یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و حداکثر آن ۴ میلیون تومان در مناطق عملیاتی است



عکس: سید گلین مهر

تیتراهای امروز

نعل وارونه

ربیعی با متهم کردن منتقدان دولت به سوءاستفاده انتخاباتی از تحریم‌ها بر نگاه ملی دولت در سیاست خارجی تأکید کرد



ادعای جدید حسن روحانی: دولت اجازه نداد قحطی محقق شود

فراوانی ادعا

قحطی مدیریت!؟

دور جدید نشست کمیسیون مشترک برجام برگزار شد

تهدید چندباره مذاکرات وین

تعداد کل قربانیان ۶۷۵۲۵ نفر

۳۹۵

طی ۲۴ ساعت ۳۹۵ نفر از هموطنان بر اثر ابتلا به کرونا جان خود را از دست دادند

سودای واکسن

«وطن امروز» درباره واکسن‌های تولید داخل و واردات واکسن گزارش می‌دهد

نگاه

خسته نباشیم!

یونس مولایی: آقای روحانی سومین مسئول دولتی است که در چند هفته گذشته بابت عدم وقوع قحطی به خودش خسته نباشید و خدقوت گفته است. پیش از این اسحاق جهانگیری، معاول اول او و عباس آخوندی، وزیر سابق راه‌وشهرسازی نیز ادعاهای مشابهی را طرح کرده بودند و عدم وقوع قحطی در سال ۱۴۰۰ را نشانه مدیریت موفق دولت دانسته بودند. فارغ از شکاف میان پایانی دولت و وعده «چنان رونق اقتصادی» در تبلیغات انتخاباتی سال ۹۶، سوال اصلی نه صحت‌سنجی این ادعا که چرایی طرح آن است. واقعا چرا؟ چه دلیلی دارد که یک دولت در پایان عمر ۸ ساله خود اینگونه به سختی‌های مردم خود افتخار می‌کند؟ اگر هدف این است که به مردم بگویند بالاتر از سبایه‌های رنگ‌های جدیدی پیدا شده است، می‌توان افتخار ثبت و حقوق مؤلفش را به نام دولت روحانی ثبت کرد؛ شاید حداقل این را بتوان در لیست سرشار از تپه دستاوردهای دولت گنجانید و با آن یک پایان آبرومندانه برگزار کرد. جامعه ایران شاید هیچ وقت چنین فشار سینوسی‌ای را از مسئولان تحمل نکرده باشد. پیش از این هر چه بوده یا خوف بوده یا رجا، با وعید ترساندن از شرایط سخت بوده یا وعده روزهای بهتر اما دولت روحانی نمادی از بازی کردن با روح و روان جامعه در آمیزه‌ای از «وحشت» و «ارزو» است. روزی پیش از انعقاد برجام آنقدر برای مردم آرزو خلق می‌شد تا اصطلاحاً آرزووان جامعه پاره شود و روزی دیگر وقتی برجام به بن‌بست می‌خورد، یکباره در کلام رئیس‌جمهور کاشف به عمل می‌آمد که اگر برجام نبود تا الان جنگ سراسر ایران را گرفته بود!

واقعیت این است که چند هفته دیگر چهارمین سالگرد مناظرات انتخاباتی سال ۹۶ فرا می‌رسد؛ مناظراتی که آقای جهانگیری دائما از مردم ایران می‌خواست تا دانش بماند که نداشتند، قیمت دلار لحظه به لحظه بالا می‌رفته، مردم شبانه در صف بانک می‌خوابیدند تا چند سکه بخرند... و در نهایت به آنها وعده داد تا سال ۱۴۰۰ لذت سهامداری را بچشند و فقر مطلق را دیگر بر سیمای شهر خود نبینند. حالا اما هیچ کدام از وعده‌ها محقق نشده، خواهی نخواهی - بین خودمان بماند- بازگشت به همان روزها که به جای صف مرغ، صف سکه شکل می‌گرفت، آرزوی بسیاری از مردم شده است. در چنین موقعیتی ترساندن بیشتر آنها بابت رخ ندادن جنگ، قحطی و... چه فایده‌ای دارد؟ اینکه نداشتن‌های این روزهای‌شان را بشمارند و در پایان بگویند خدا را شکر «عوض روحانی داریم»!!

یادداشت

ژمانه اکوان: دادگاه رسیدگی به قتل جورج فلوید، مرد سیاه‌پوستی که با تکنیک «زانو بر گردن» در مینیاپولیس به دست افسر پلیس این شهر به قتل رسیده بود، این هفته حکم خود را اعلام می‌کند. این دادگاه را می‌توان یکی از کم‌نظرترین دادگاه‌های آمریکا برای رسیدگی به جرم «قتل عمد انسان» توسط یک افسر پلیس در آمریکا دانست. در موارد پیشین، افسران پلیس معمولاً یا محاکمه نمی‌شدند یا به جرم قتل غیرعمد محاکمه می‌شدند. این بار اما اعتراضات سراسری در آمریکا که منجر به ایجاد درگیری و آشوب در کل ۵۰ ایالت آمریکا می‌شد، دادگاه مینیاپولیس را به این نتیجه رساند که باید اقدامی نوین در این عرصه صورت داده و برای نخستین‌بار یک افسر پلیس را به جرم قتل عمد محاکمه کند. در این حال این دادگاه یکی دیگر از رکورد «ولین» (نوجوان سیاه‌پوستی که بتازگی توسط پلیس آمریکا کشته شد) به شبکه خبری ABC گفته است: «نتیجه تلاش‌های ما برای اینکه دادگاه اعلام کند درک چابک و مسئول قتل جورج فلوید است، به این دلیل است که اعتقاد داریم این حکم تبعات مثبت زیادی برای جامعه

آمریکادر انتظار حکم قاتل جورج فلوید

تمام فراز و نشیبی که داشت، قرار است این هفته حکم نهایی «درک چابک» افسر پلیسی که جورج فلوید را به قتل رسانده بود، منتشر کند و این حکم می‌تواند نقطه عطفی تاریخی در مسیر برخورد با پلیس‌های ناقض قانون در آمریکا باشد. فضا سازی رسانه‌ای صورت گرفته توسط دموکرات‌ها در آمریکا که در روزهای پایانی ریاست‌جمهوری ترامپ، رهبری اعتراضات به تبعیض نژادی در آمریکا را بر عهده گرفته بودند، حالا به گونه‌ای فضای آمریکا را شکل داده است که می‌توان گفت جامعه آمریکا هم‌اینک بر لبه تیغ قرار گرفته و همه چیز به حکم این دادگاه بستگی دارد. اگر درک چابک به عنوان پلیس متخلف و مجرم، در این دادگاه محکوم شود، موجی از درخواست‌ها برای تغییر سیاست در پلیس آمریکا آغاز خواهد شد. بنجامین کرامپ، وکیل خانواده فلوید و داتنه رایت (نوجوان سیاه‌پوستی که بتازگی توسط پلیس آمریکا کشته شد) به شبکه خبری ABC گفته است: «نتیجه تلاش‌های ما برای اینکه دادگاه اعلام کند درک چابک و مسئول قتل جورج فلوید است، به این دلیل است که اعتقاد داریم این حکم تبعات مثبت زیادی برای جامعه

مطلبی که در رسانه‌ها منتشر شد، صراحتاً مدعی شده بود در نظام بانکداری ایران چیزی تحت عنوان عقد مشارکت وجود ندارد. او گفته بود عقد مشارکت در نظام بانکی ایران کاملاً صوری بوده و اگر کسی بتواند فقط یک عقد مشارکت واقعی که طی ۲۰ سال گذشته انجام شده باشد به من نشان دهد، حاضرم به عنوان جایزه به او ۵ سکه پهلای آزادی بدهم. وقتی ۳ هزار ۴۰۰ فوق را کنار هم قرار می‌دهیم، این ادعا که بانک‌ها یکی از عوامل گران شدن ملک در کشور هستند، نه‌چندان بی‌ربط بلکه کاملاً منطقی به نظر می‌آید. بانک‌هایی که روزگاری خوبی ندارند و یکی از راه‌های خروج از این بحران، افزایش سرمایه‌شان از طریق تجدید ارزیابی دارایی‌های‌شان از جمله املاک تحت اختیار آنهاست. در این میان فارغ از اینکه این مساله به یکی از دلایل افزایش قیمت ملک در کشور تبدیل شده، ماهیت تولد چنین پدیده‌ای نیز جای تعجب دارد. چگونه ممکن است بانک‌ها دارای این حجم از املاک از جمله زمین، واحد مسکونی، کارخانه و... باشند! طبیعتاً این موضوع از ۲ حالت خارج نیست. ۱- بانک‌ها با قصد کسب سود، طی سالیان گذشته مستقلاً دست به خرید زمین و ملک زده‌اند تا با توجه به افزایش قیمت زمین از سود آن بهره‌مند شوند.

واقعی سازی عقود بانکی بزرگ ترین مانع زدایی از تولید

مطلبی که در رسانه‌ها، املاک و کارخانه‌های تحت تملک بانک‌ها ناخواسته بوده و به دلیل عدم بازپرداخت اقساط تسهیلات از سوی وام‌گیرندگان، این وثایق به تملک بانک‌ها درآمده است. طبیعتاً نمی‌توان حالت صومی برای املاک در اختیار نظام بانکی متصور بود. این در حالی است که رخ دادن هر ۲ حالت طبق قانون، عملاً غیرممکن است، چرا که بر اساس قانون عملیات بانکداری بدون ربا، بانک‌ها مالک سپرده‌های مردم نیستند که بتوانند با سپرده‌های مردم (دارایی بانک‌ها، سپرده سپرده‌گذاران است) دست به سرمایه‌گذاری یا انجام فعالیت اقتصادی (اعم از فعالیت مولد یا غیرمولد) بزنند لذا حالت اول غیرممکن بوده و بانک‌ها صرفاً به عنوان وکیل سپرده‌های مردم می‌توانند فعالیت بانکی را تحت عقود شرعی در اختیار وام‌گیرندگان قرار دهند. در حالت دوم نیز عمده عقود میان بانک و وام‌گیرنده که منجر به تصاحب زمین یا کارخانه وام‌گیرندگان از سوی بانک‌ها می‌شود، عقد مشارکت بوده و بانک صرفاً به عنوان وکیل سپرده‌گذاران) و وام‌گیرنده (کارآفرین یا فعال اقتصادی) بر اساس عقد باید در سود و زیان آن فعالیت شریک باشند. سوال اینجاست که چگونه ممکن است بانک‌ها مدعی شوند عمده این املاک به دلیل عدم بازپرداخت اقساط

دیگر به اعتراضات در این زمینه ادامه داد؟ دموکرات‌ها استفاده از رسانه و فضا سازی برای پیش بردن اقدامات‌شان را بخوبی یاد گرفته‌اند. ترامپ راهمایی برای استفاده از فضای مجازی و رسانه‌ها به آنها یاد داده است که تا به حال به عنوان نیروهای سنتی فضای سیاسی آمریکا، چندان هم به آن فکر نمی‌کردند. شاخه ترقی‌خواه در حزب دموکرات سعی دارد با این‌حال از فضای به وجود آمده در ماجرای دادگاه چابک استفاده کرده، مسائلی مانند تیراندازی پلیس به داتنه رایت و دیگر افراد مانند او که طی ماه‌های اخیر تعدادشان بیشتر شده است را نیز در صدر اخبار قرار دهد و در نهایت برنامه‌ریزی‌ها برای ایجاد تغییرات اساسی در ساختار پلیس را گسترده‌تر کند. این کار اما به نظر نمی‌رسد در مجلس سنا به جایی ختم شود، زیرا از هم‌اینک جمهوری خواهان مخالفت خود با این طرح را اعلام کرده و خواستار باز گذاشتن دست پلیس در برخورد با مجرمان شده‌اند. آنها اعتقاد دارند محدود کردن اختیارات پلیس در استفاده از اسلحه، فاز اول برنامه دموکرات‌ها برای محدود کردن حق حمل سلاح در اصلاحیه دوم قانون اساسی آمریکاست.

وام‌گیرنده به تملک بانک درآمده است؟ در واقع بر این اساس باید بانک صرفاً قرضی روی را به وام‌گیرنده داده و قید کرده باشد که وام‌گیرنده باید در زمان مشخصی مبلغ را به علاوه بهره مشخصی به بانک بازگرداند، در غیر این صورت بانک وثایق وام‌گیرنده را (زمین، کارخانه یا املاک و...) تصاحب می‌کند. خب! طبیعتاً حالت دوم نیز طبق قوانین جاری و ساری کشور باید غیرقانونی و به تبع آن غیرممکن باشد. اما در کمال تعجب مشاهده می‌کنیم آیت‌الله رئیسی رئیس قوه قضائیه در یک سال اخیر به ده‌ها پرونده در این مورد که بنگاه‌های اقتصادی به دلیل عدم بازپرداخت تسهیلات خود تحت تملک بانک درآمده و کارخانه تعطیل شده است، ورود کرده. اما هیچ‌کس از بانک‌ها نپرسیده است شما تسهیلات را بر اساس چه عقدی به این کارخانه داده‌اید؟ آیا بر اساس عقد مذکور نباید بانک در سود و زیان با کارخانه شریک می‌بود؟ اگر این تسهیلات بر اساس چه عقدی داده شده است که بانک هیچ نقشی در آن فعالیت اقتصادی نداشته و صرفاً وثیقه‌ای گرفته و پولی را پرداخت کرده است! شاید برای همین است که برخی از پیشکسوتان اقتصاد اسلامی معتقدند حتی یک عقد واقعی مشارکت نیز در نظام بانکی ایران وجود ندارد.